

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Vanguard Woman

زن پیشواز

یادداشت:

تشریف آوری آقای "سیامک ستوده" نویسنده، محقق و اندیشه مند شناخته شده کشور همسایه ما ایران را به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" خیرمقدم گفته، امیدواریم بتوانیم همیشه صفحات پورتال را با جذب نویسندگان و دانشمندان تراز اول چون ایشان پر بار و شگوفان داشته باشیم.

به آرزوی همکاری های بیشتر  
از طرف اداره پورتال AA-AA

سیامک ستوده

## دکتر هلاکوئی و تئوری عضلانی سلطه مرد بر زن

اواخر ماه گذشته در یکی از روزها در حالیکه حین کار پیچ رادیو را باز گذاشته بودم و جسته و گریخته به مطالب آن گوش می دادم، ناگهان مطالبی از آقای دکتر هلاکوئی شنیدم که در جای خود خشکم زد. راستش را بخواهید، از ایشان که در نظر من فرد به هر حال منور الفکری میباشند که سالهاست به زدودن عادات و سنن کهنه از رفتار و اذهان ایرانیان خارج از کشور و ارتقاء اجتماعی آنان به سطح رایج در کشورهای غربی و پیشرفته مشغول هستند، ابراز نظریه ای چنین غیر علمی، کهنه و مردسالارانه را انتظار نداشتم. داستان از اینقرار بود که در برنامه رادیویی ایشان یکی از شنوندگان زن این پرسش را مطرح کرد که علت تسلط مردان بر زنان در طول تاریخ چه بوده است، و ایشان جواب داد که علت سلطه و کنترل مردان بر زنان در دو چیز بوده است. اول قدرت عضلانی و جسمی مردان، و دیگری مسأله حاملگی و عدم تحرک زنان که به خاطر بارداری و نگهداری از کودکان نمیتوانسته اند از محل خود دور شوند. ایشان در توضیح پاسخ خود زن را به گلی تشبیه کرد که در خاک محل سکونت خود کاشته شده و فرو رفته است، و به همین خاطر این مردان اند که به خاطر تحرک و عدم وابستگی شان به خاک و خانه نان آور خانه و کاشانه می باشند.

حقیقتش را بخواهید این یکی از دست راستی ترین استدلالاتی است که همواره از جانب محافل محافظه کار، و در واقع محافظه کارترین آنها، برای حفظ سلطه مرد بر زن پیش کشیده می شده است، و همانطور که گفتم طرح آن از جانب ایشان برای من بسیار تعجب آور و حیران کننده بود. اجازه بدهید ابتدا غیر علمی و غیر واقعی بودن این نظریه را برای شما شرح بدهم.

اول اینکه از یک میلیون سال که از تاریخ بشر می گذرد فقط در شش هزار سال اخیر است که مردان توانسته اند بر زنان مسلط گردند. این حقیقت در اروپا در قرون ۱۹ و اوایل بیست که دانشمندان برای اولین بار با اقوامی مواجه شدند که هنوز به شیوه "ماقبل تاریخ" میزیسته و در میان آنها زن و مرد برابر بوده و هیچ سلطه ای از جانب مردان

بر زنان وجود نداشت، کشف شد. تا آن موقع دانشمندان و کل جامعه بشری در این مورد همانطور فکر میکرد که آقای هلاکوئی امروزه فکر می کند. یعنی چون دانشمندان تا کنون با هیچ نمونه دیگری جز نمونه رایج خانواده پدرسالار آشنائی نداشتند، از اینرو تصور بر این بود که همیشه از روز ازل مردان آور خانه بوده و به دلیل برتری عضلانی و عقلائی بر زن حق تسلط و نگرهبانی داشته است. تقریباً تمامی دانشمندان اروپا و جهان تا قبل از کشف این نوع جوامع اولیه و "ماقبل تاریخ" اینطور فکر میکردند. ما همین عقیده ابدی سروری مرد بر زن را در سوره های قرآن نیز می یابیم. ولی با کشف جدید مطالعه در مورد اقوام "ماقبل تاریخ" شروع شده و برای اولین بار معلوم میگردد که بشر تاریخ ناشناخته بس طولانی تری از آنچه که تاکنون فکر می شده است و من جمله دوره هائی که در آن بر اساس قوانین و سنن کاملاً متفاوتی عمل می کرده است، داشته است. بنابراین، اولین سؤال از آقای هلاکوئی اینست که اگر قدرت عضلانی علت تسلط مرد بر زن بوده است، پس چرا طی یک دوران طولانی که این برتری عضلانی حتی بیشتر از حال حاضر هم بوده، مرد بر زن سلطه که نداشته، از احترام بیشتری هم برخوردار بوده است؟

دومین سؤالی که باید از آقای هلاکوئی کرد اینست که به نظر شما علت اصلی برتری و سلطه یک فرد بر فرد دیگر چیست؟ قدرت عضلانی یا قدرت اقتصادی؟ آیا قدرت سرمایه داران، شاهان و دیکتاتورها بر دیگران ناشی از قدرت عضلانی شان بوده است؟ مثلاً ناپلئون یا آقا محمد خان قاجار با آن قد کوتاه و جثه ی کوچک چگونه میتوانسته اند دیگران را به زور بازو تابع خود گردانند؟ ممکن است بگوئید به زور ارتش و قدرت نظامی. آیا شاهان قدیم با زر و سیم و قدرت اقتصادی نبوده است که برای خود سرباز اجیر کرده، ارتش تشکیل می داده اند. اگر حقوق سربازان آمریکائی پرداخت نگردد، آیا یک لحظه هم فرامین پنتاگون را اجرا می کنند؟ پس در اینجا هم می بینیم که قدرت نظامی هم ناشی از قدرت اقتصادی بوده و هست. این قدرت اقتصادی است که به صاحب آن اجازه می دهد نیروی عضلانی دیگران را نیز به خود ملحق ساخته و با خرید و تابع کردن دیگران بر قدرت خود الی غیر النهایه بیفزاید.

نکته دیگر ایشان هم در این مورد که زن گل است که در خاک فرو رفته و نتایج بعدی آن با واقعیات تاریخی نمی خواند. درست است که در اولین تقسیم کار اجتماعی که تقسیم کاری جنسی بوده است، زنان به دلیل مشکل زایمان و بچه داری قادر به شرکت در امر شکار نبوده و به کار جمع آوری دانه های گیاهی اشتغال می یابند، اما این تقسیم کار خلاف نظر آقای هلاکوئی نه تنها باعث این نمیشود که مردان نان آور خانه و از اینطریق مسلط بر زنان گردند، بلکه بالعکس باعث برتری نقش زنان در تولید و موقعیت بالاتر آنان در جامعه می شود. چرا سهم دانه های گیاهی در تأمین غذای قبیله بیشتر از سهم گوشت ناشی از شکار بوده و زنان بیش از مردان نان آور قبیله بوده اند. باید توجه داشت که در دورانهای بسیار اولیه، هنگامیکه این تقسیم کار به وجود می آید، ابزار شکار بسیار ابتدائی بوده، چنانکه گاهی شکار یک حیوان بزرگ ماهها طول می کشیده و لذا شکار نقش کمتری از جمع آوری دانه های گیاهی داشته است. حتی بعداً هم که زنان با کشف کشاورزی بیشتر در خاک فرو رفته وابسته به زمین و محل سکونت خود می شوند، این امر خلاف نظر آقای هلاکوئی نه تنها منجر به سلطه مردان بر زنان نميگردد، بلکه موقعیت اجتماعی زنان و نقش آنان در تولید را به اوج خود می برد. چنانکه ستایش الاهی های زن به همین دوران مربوط می گردد.

می بینید که از هر طرف که به مسأله نگاه کنید نظریه آقای هلاکوئی ره به جائی نمی برد. به نظر می رسد که ایشان بدون اینکه در این مورد یعنی در رشته آنتروپولوژی مطالعه ای داشته باشند، به چنین اظهار نظرهای

مغشوش و گمراه کننده ای پرداخته اند. البته این امر به خودی خود مسأله مهمی نیست. چون با وسعتی که دامنه دانش به خود گرفته، به هر حال، هر فرد تنها در رشته ای توان تخصص یافته، و انتظار عالم جامع بودن از کسی درست نیست. با این وجود مسأله تنها در اینجا اشکال پیدا می کند که ابراز بعضی نظرات بلافاصله در مبارزه روزمره ای که توسط گروه های اجتماعی جریان دارد تاثیر گذارده و به آن زیان می رساند. از جمله ابراز چنین نظریاتی از طرف شخص بانفوذی مانند ایشان که هر روز صدها نفر به گفتارهای وی گوش فرا داده و از آن تاثیر می گیرند، میتواند باعث گمراهی بسیاری از زنان در فهم علت وابستگی های خود به مردان شده به تلاش آنان برای کسب برابری و آزادی لطمه بزند. چرا که نظریه قدرت عضلانی ایشان جز آنکه موقعیت مردان را در امر توجیه سرکوب و سلطه خود بر زنان تقویت می نماید، ابدی کردن این سلطه و چاره ناپذیری آن را نیز توجیه می نماید. واقعی اینست که همانطور که من در نوشته های خود مفصلاً توضیح داده ام، تسلط مردان بر زنان از زمانی شروع شد که به دنبال پیدایش مالکیت خصوصی، برای اولین بار در تاریخ بشر، مردان صاحب ثروت و قادر به خرید زنان شدند. با رواج زن خری که در شش هزار قبل یعنی همزمان با پیدایش مالکیت خصوصی به وجود آمد، برای اولین بار زن به مایملک مرد در آمد و تحت کنترل او قرار گرفت. برای همین است که هر جا که زن صاحب استقلال و قدرت اقتصادی شده است، توانسته خود را از سلطه مرد خارج سازد. بنابراین، می بینیم که نظریه آقای هلاکوئی نه تنها با واقعیات تاریخی نمی خواند، بلکه نظریه متعلق به دویست (۲۰۰) سال قبل است که از مدتها رد شده و به زباله دانی تاریخ ریخته شده است. چرا ایشان به چنین مسأله واضح و بدیهی واقف نیستند، من نمیدانم!